

با ما اینگونه نباشد

لَا تَكُنْ وَلِيًّا لِلَّهِ فِي الْعَلَانِيَةِ، عَدُوًّا لَهُ فِي السِّرِّ
چنان مباش که در آشکار، دوست خدا باشی و در نهان، دشمنش
اعلام الدین، ص ۳۰۹

چرا مسلمانان از مرگ می ترسند؟

لَا يَتَّبِعُهُمْ جَهْلُهُ، فَكِرُهُ، وَ لَوْ عَرَفُوهُ وَ كَانُوا مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِأَحْبَوهُ، وَ لَعَلِمُوا أَنَّ
الْآخِرَةَ خَيْرٌ لَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا
برای آن که آن را نمی شناسند، از این رو آن را نمی پسندند، و اگر آن را
می شناختند و از دوستان خداوند متعال بودند، مرگ را دوست داشتند و
می دانستند که آخرت، برای آنان بهتر از دنیاست.
موسوعة الكلمات الامام الجواد عليه السلام، ص ۱۴۷

ثمره نیکی

أَهْلُ الْمَعْرُوفِ إِلَى اسْطِنَاعِهِ أَحْوَجُ مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ، لِأَنَّ لَهُمْ أَجْرَهُ وَ فَخْرَهُ وَ ذِكْرَهُ،
فَمَهْمَا أَصْطَنَعَ الرَّجُلُ مِنْ مَعْرُوفٍ فَإِنَّمَا يَبْدَأُ فِيهِ بِنَفْسِهِ
اهل نیکی، به نیکی کردن محتاج ترند از نیازمندان، چرا که پاداش و
افتخار و آوازه ی آن برای نیکوکاران است. پس هر گاه یک شخص، کار
نیکی کرد، همانا ابتدا به خودش نیکی کرده است.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۷۹

خطر عیب جویی

مَنْ عَابَ عَيْبَ، وَ مَنْ شَتَمَ أَجِيبَ
هر کس عیبجویی کند، از او عیبجویی می کنند، و هر کس دشنام دهد،
پاسخ داده می شود.
الفصول المهمة، ص ۲۶۰

۴ حکمت نغز

الدِّينُ عِزٌّ، وَ الْعِلْمُ كَنْزٌ، وَ الصَّمْتُ نُورٌ، وَ غَايَةُ الزُّهْدِ الْوَرَعُ
دین، عزت است و دانش، گنج. سکوت، روشنایی است و نهایت زهد،
پرهیز از گناه است.
الفصول المهمة، ص ۲۶۰

چگونه نصیحت کنیم؟

مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَ مَنْ وَعَظَ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَاتَنَهُ
هر کس برادرش را پنهانی پند دهد، او را آراسته است. و هر که او را
آشکارا موعظه کند، بدنام و بی آبرویش کرده است.
کشف الغممه، ج ۲، ص ۳۵۰

برترین عبادت

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْإِخْلَاصُ
برترین عبادت، اخلاص است.
تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص ۳۲۹

رفتار دیگران هنگام جان دادن تو

أَذْكُرُ مَصْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيَّ أَهْلِكَ، وَ لَا طَبِيبَ يَمْنَعُكَ، وَ لَا حَبِيبَ يَنْفَعُكَ
یاد کن هنگامه جان دادن و مرگ خود را در مقابل خانواده ات، در حالی
که نه پزشکی هست که تو را از مردن باز دارد، و نه دوستی که به تو
سود رساند.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۰

شریکان در ظلم

الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ وَ الْمُعِينُ لَهُ وَ الرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ
ستمکار و آن کس که با او همکاری می کند و آن کس که
به این ستم رضایت می دهد هر سه در جرم شریکند.
کشف الغممه، ج ۲، ص ۳۴۸

جهاد اکبر

إِرْفَاضُ الشَّهَوَاتِ وَ خَالِفُ الْهَوَى، وَ اعْلَمُ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ، فَانْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ؟
شهوتها را رها و با هوای نفس مخالفت کن و بدان که تو از چشم خدا دور
و پنهان نیستی. پس مواظب باش که در چه حالتی خواهی بود؟
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۸

تأثیر زمانه بر قضاوتها

إِذَا كَانَ زَمَانٌ الْعَدْلُ فِيهِ أَغْلَبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ يَظُنُّ بِأَحَدٍ سُوءًا حَتَّى يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ، وَ إِذَا
كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ أَغْلَبَ فِيهِ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا مَا لَمْ يَعْلَمْ ذَلِكَ مِنْهُ
هر گاه زمانه، زمانه ای باشد که عدالت، چیره تر از ستم است، بد گمانی
به دیگری حرام است. مگر آن که بدی از او دانسته شود. و هر گاه زمانه،
زمانه ای باشد که ستم بر عدالت غلبه دارد، سزاوار نیست کسی به
دیگری خوش بین باشد، تا وقتی که خوبی او را نداند.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۰

همنشینی بد

إِيَّاكَ وَ مَصَاحِبَةَ الثَّرَبِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ، يَحْسُنُ مَنْظَرَهُ وَ يَفْسِدُ أَثَرُهُ
از همنشینی با بد بپرهیز، چرا که او مثل شمشیر می ماند، منظرش
زیباست، ولی اثرش زشت است.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۴

تشویق به ازدواج

مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ قَرْضِيَّتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرُوجُهُ، إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً
فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ
اگر کسی پیش شما به خواستگاری آمد و دین و امانت داری او را
پسندیدید، تزویج کنید، اگر چنین نکنید، در روی زمین فتنه و
فساد بزرگ می شود.
من لا يضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۳

عجله ممنوع

لَا تُعَالِجُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدَمُوا
کار را پیش از فرا رسیدن وقتش انجام ندهید، که پشیمان می شوید.
کشف الغممه، ج ۲، ص ۳۵۰

ویران کننده دین و فاسد کننده مردان

لَا هَدَمَ لِلدِّينِ مِثْلُ الْبِدْعِ، وَ لَا أَفْسَدَ لِلرِّجَالِ مِنَ الطَّمَعِ
هیچ چیز مثل بدعتها ویرانگر دین نیست و هیچ چیز مانند طمع،
فاسدکننده ی مردان نیست.
الفصول المهمة، ص ۲۶۰

تأثیر غم و اندوه بر جسم

مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ سَقَمَ جَسَدُهُ
هر که اندوهش زیاد باشد، بدنش بیمار می شود.
موسوعة كلمات الامام الجواد عليه السلام، ص ۲۴۰

چهل حدیث

چهل حدیث امام جواد علیه السلام



ثمره توکل بر خدا

كَيْفَ يَضِيحُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ؟ وَكَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ طَالِبُهُ؟

چگونه ضایع و تباه می شود کسی که خداوند، عهده دار اوست؟
و چگونه نجات می یابد کسی که خداوند در پی اوست؟
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۳

مومن به سه چیز نیاز دارد

اَلْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ، وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ
مُؤْمِنِ نیازمند سه خصلت است: توفیق از سوی خداوند، واعظی از درون
خود، پذیرش نسبت به کسی که او را پند می دهد.
تمف العقول، ص ۱۴۵۷

در زمان غیبت و ظهور چه کنم؟

إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يَطَاعَ فِي ظُهُورِهِ
همانا قائم، از ما خاندان، همان «مهدی» است که باید در دوران غیبتش،
انتظارش را کشید و هنگام ظهورش، اطاعتش کرد.
موسوعة كلمات الامام الجواد عليه السلام، ص ۱۱۵

ثمره سکوت نادان

لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ

اگر نادان سکوت کند، مردم اختلاف پیدا نمی کنند.
الفصول المهمة، ص ۲۶۲

نتیجه علاقه قلبی به خوبی یا بدی

مَنْ شَهِدَ أَمْرًا فَكَرِهَهُ كَانَ كَمَنْ غَابَ عَنْهُ، وَ مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرٍ فَرَضِيَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ
هر کس شاهد و ناظر چیزی باشد و آن را ناپسند شمارد، مثل کسی است
که آن جا حضور ندارد؛ و هر کس از کاری غایب باشد، اما به آن راضی
باشد، مثل کسی است که حاضر بوده است.
تمف العقول، ص ۱۴۵۶

چه کسانی در کار زشت، شریکند؟

مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ

هر کس کار زشتی را نیکو بشمارد، در آن زشتی شریک است.
کشف الغممة، ج ۲، ص ۳۱۴۹

اگر بخشش نکنید ...

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْصُهُمُ بِالنِّعَمِ وَ يَقْرَئُهَا فِيهِمْ مَا بَدَّلُوا، فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا عَنْهُمْ وَ حَوَّلَهَا إِلَى
غَيْرِهِمْ

خداوند را بندگانی است که آنان را مخصوص به نعمتها می سازد و نعمتها
را در میان آنان پایدار می کند، تا وقتی که بخشش کنند. پس هر گاه از
بخشش نعمت ممانعت کنند، نعمت را از آنان پس می گیرد و به دیگران
می دهد.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۳

تأثیر همنشین

فَسَادَ الْأَخْلَاقُ بِمُعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ، وَ صَلَاحُ الْأَخْلَاقِ بِمُتَاقَسَةِ الْعُقَلَاءِ

تباهی اخلاق، به سبب معاشرت با سفیهان است، و بهبود اخلاق به سبب
همنشینی و انس با خردمندان است.
کشف الغممة، ج ۲، ص ۳۱۴۹

عزت مومن در چیست؟

عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي غِنَاءِ عَنِ النَّاسِ.

عزت مؤمن، در بی نیازی او از مردم است.
اعلام الدین، ص ۳۰۹

زیارت امام حسین برتر است یا امام رضا؟

زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلٍ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ، وَ أَبِي لَا يَزُورُهُ إِلَّا
الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ

زیارت پدرم (حضرت رضا علیه السلام) برتر است، چرا که اباعبدالله
الحسین علیه السلام را همه مردم زیارت می کنند، ولی پدرم را جز
خواص از شیعه، کسی زیارت نمی کند.
من لا يضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸۲

سه عمل نیکان

ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ الْأَبْرَارِ: إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ، وَ اجْتِنَابُ الْحَرَامِ، وَ احْتِرَاسٌ مِنَ الْغَفْلَةِ فِي الدِّينِ
سه چیز است که از کار نیکان است: بر پا داشتن واجبات، پرهیز از
حرامها، و دوری کردن از غفلت در دین.
موسوعة كلمات الامام الجواد عليه السلام، ص ۲۴۲

جایگاه انسان با ادب نزد خداوند

مَا اجْتَمَعَ رَجُلَانِ إِلَّا كَانَ أَحَفْضَهُمَا عِنْدَ اللَّهِ أَدْبَهُمَا

هر گز دو مرد با هم اجتماع نمی کنند، مگر آن که برترین آن دو نزد
خدا، کسی است که با ادب تر باشد.
وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۸۴

۴ باور انسان

أَرْبَعُ خِصَالٍ تُعَيِّنُ الْمَرْءَ عَلَى الْعَمَلِ: الْبَصِيَّةُ، وَ الْغِنَى، وَ الْعِلْمُ، وَ التَّوْفِيقُ

چهار ویژگی است که شخص را بر کار، کمک می کند: تندرستی، بی
نیازی، دانش و توفیق.
الفصول المهمة، ص ۲۶۱

ارکان توبه

التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعٍ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، وَ عَزَمٌ أَنْ لَا
يَعُودَ

توبه بر چهار پایه استوار است: پشیمانی به دل، استغفار به زبان، کار (و
جبران) با اعضاء، و تصمیم بر اینکه به گناه باز نگردد.
کشف الغممة، ج ۲، ص ۳۱۴۹

چه چیزی سخت تر از اصل کار است؟

الْإِيقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ

ایستادگی و استمرار بر کار، سخت تر از اصل کار است.
کافی، ج ۲، ص ۲۹۶

زوال نعمت و سلب توفیق خدمت!

مَا عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَظُمَتْ عَلَيْهِ حَوَائِجُ النَّاسِ، فَمَنْ لَمْ يَحْتَمِلِ تِلْكَ الْمُؤَوَّنَةَ
عَرَضَ النِّعْمَةُ لِلزَّوَالِ

هر گز نعمت خدا بر کسی بزرگ و مهم نمی شود مگر آنکه نیاز های
مردم هم به او بزرگ و زیاد می شود. پس هر کس این رنج (رفع نیاز
مردم) را تحمل نکند، نعمت را در معرض زوال قرار داده است.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۷۹

چگونه بلا رفع می شود؟

بِالرَّأْيِ تَصْلَحُ الرُّعْيَةُ، وَ بِالِدَعَاءِ تُصْرَفُ الْبَلِيَّةُ

مردم با سرپرست خود صالح می شوند و بلا به سبب دعا
برگردانده می شود.
الفصول المهمة، ص ۲۶۰

امین خیانتکاران

كَفَى بِالْمَرْءِ خِيَانَةً أَنْ يَكُونَ أَمِينًا لِلْخَوْنَةِ

در خیانت یک شخص، همین بس که امین خیانتکاران باشد.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۳

نردبانی برای رسیدن به هر بلندی

الْتِّقَةُ بِاللَّهِ ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ، وَ سَلَمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ

تکیه داشتن به خدا، بهای هر چیز ارزشمند و نردبانی برای رسیدن
به هر بلندی است.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۴

عنایت خاص خداوند به متقین

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقِي بِالْتَّقَوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ، وَ يَجْلِي بِالْتَّقَوَى عَنْهُ
عَمَاءَهُ وَ جِهْلَهُ

خداوند متعال، به سبب تقوا، بنده اش را از آنچه از عقلش دور مانده،
حفظ می کند و به وسیله ی تقوا او را نسبت به آنچه آن را نمی بیند و
ناآگاه است روشن می سازد.
موسوعة كلمات الامام الجواد عليه السلام، ص ۱۳۳

اطمینان ن کنید

مَنْ انْقَادَ إِلَى الطُّمَآنِينَةِ قَبْلَ الْخَبَرَةِ فَقَدْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَكَةِ وَ لِلْعَاقِبَةِ الْمُتَعَبَةِ

هر کس پیش از آزمودن، تسلیم اطمینان شود (و قبل از امتحان، اعتماد
کند) خود را در معرض هلاکت و فرجام رنج آور قرار داده است.
اعلام الدین، ص ۳۰۹

قدرت روزگار

الْأَيَّامُ تَهْتِكُ لَكَ الْأَمْرَ عَنِ الْأَسْرَارِ الْكَامِنَةِ

گردش روزها اسرار نهفته را برایت آشکار می سازد.
اعلام الدین، ص ۳۱۰

دل دیگران نسبت به من چگونه است؟

لَا تَطْلُبِ الصِّفَا مِمَّنْ كَدِرَتْ عَلَيْهِ، وَ لَا الْوَفَاءَ لِمَنْ غَدَرَتْ بِهِ، وَ لَا النَّصَحَ مِمَّنْ صَرَفَتْ سَوْءَ
ظَنِّكَ إِلَيْهِ، فَإِنَّ قَلْبَ غَيْرِكَ كَقَلْبِكَ لَهُ

طلب صفا و زلالی مکن از کسی که علیه او تیره شده ای؛ و نه وفا بجوی از
کسی که به او نیرنگ زده ای! و نه خیرخواهی از کسی که به او گمان بد
برده ای، چرا که دل دیگری، مثل دل تو نسبت به اوست.
بهارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۰

پرستش خدا یا شیطان از طریق گوش دادن

مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ، وَ إِنْ
كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ

هر کس به گوینده ای گوش فرا دهد، او را پرستیده است. پس اگر
گوینده، از خدای متعال می گوید، او خدا را پرستیده است و اگر گوینده،
از طرف شیطان حرف می زند، به یقین، شیطان را پرستیده است.
تمف العقول، ص ۱۴۵۶